



شب صد و هشتاد و پنجم

روایتی از حضوری زنانه
در سنگر خیابان که حالا
از ۲۰۰ شب فراتر رفته است

لیلا جان قربان! دخترک نگاهی به کاغذهای توی دستم می اندازد و می گوید: شما خبرنگاری خانم؟ به نشانه تأیید سری تکان می دهم و می پرسیم: چرا؟ چیزی می خوای بگی؟ چادرش را روی سرش صاف می کند و می گوید: می شه از منم مصاحبه بگیرین؟ پیشنهادش بر ایم جذاب است. می گویم: بله که می شه. می دونی داریم درباره همون دختری صحبت می کنیم که هم سن و سال تو بود و توی این تجمعات شهید شد. می تونی درباره اش صحبت کنی؟ کمی مکث می کند و می پرسد: همون مامان و دختری که توی بولوار وکیل آباد شهید شدن؟ حسنا رو می گید؟ می گویم: بله همون. می گوید: من حسنا رو بعد که شهید شد دیدم. خیلی دختر قشنگی بود. انگار از اول قرار بود شهید بشه ولی اینکه آدم بچه باشه و شهید بشه خیلی خوبه. انگار که فرشته در فرشته باشه. من روز تشییع شون بودم. از دور همه چی رو می دیدم. می دونید چی خیلی قشنگه؟ اینکه این همه آدم بزرگ، بیان برای دیدن تو که خیلی کوچیک بودی و کلی آدم به تو احترام بذارن چون شهید شدی...

این راه ادامه دارد

شامگاه سه شنبه ۱۱ شهریور ماه بود که خبر شهادتشان آمد. در صد و هشتاد و پنجمین شب حضور مردمی در سنگر خیابان، حادثه ای تلخ رقم خورد. چهار نفر از همشهریانمان که همراه مردم در این حماسه حضور داشتند، در اثر سانحه رانندگی، جان خود را از دست دادند و در سنگر خیابان به شهادت رسیدند. تصور برخی این بود که بعد از این اتفاق سنگر خیابان خالی خواهد شد اما حضور مردم به خصوص زنان تصویری

دیگر را رقم زد. خانم یعقوبی از آن هایی است که شب های زیادی را در تجمعات میدان فلسطین بوده است. اومی گوید: بعد از این همه سال دعا برای شهادت حالا به نقطه ای رسیده ایم که می توانیم شهادت را با گوشت و پوست و خون خودمان لمس کنیم. هیچ وقت تا این اندازه با یک شهید در لحظه شهادت مجاورت نداشته ایم و این یعنی مبعوث شدن و رسیدن به آن نقطه ای که سال ها برایش دعا می کردیم. الان شاید دیگر بتوانیم به جرئت بگوییم که به ظهور آقا نزدیک شده ایم. این طور اتفاقات فقط راه را برای ما روشن تر می کند و گر نه که بن بست یا انتهای راه را بیم نیست. الان دیگر شعاری جدید مادر دست داریم و آن هم این است که راه این شهیدان هم همچون دیگر شهدا ادامه دارد.

خانم بوژآبادی از فعالان فرهنگی است. او مجموعه ای فرهنگی در حوزه عفاف و حجاب دارد که شب ها گروهی همراه با خانم های مجموعه به تجمعات می آید. هر شب هم خیا بانی متفاوت را برای حضور انتخاب می کنند. او که امشب در خیا بانی عبدالمطلب حاضر است می گوید: یک عقده ای در دل ما زن ها مانده بود که همیشه یک قدم از جبهه دوریم اما الان شرایطی پیش آمده که به

